

---

## علم تمدن ساز از منظر علم تمدن ساز از منظر امام خامنه‌ای علیه السلام با تأکید بر آیات و روایات

---

حدیث محمدی<sup>۱</sup>

### چکیده

در بیانیه گام دوم، علم و پژوهش در صدر توصیه‌ها و از مهم‌ترین دغدغه‌های امام خامنه‌ای است. هدف از این تحقیق، کشف دیدگاه رهبری درباره علم تمدن ساز، چستی، عوامل و آسیب‌های پیش روی آن با تطبیق با آیات قرآن و روایات بود. روش در این تحقیق توصیفی - تحلیلی اسنادی است که در آن مفاهیم، عوامل و آسیب‌های مرتبط با علم در رهنمودهای رهبری با بیشترین بسامد کشف و با آیات و روایات تطبیق و تبیین شد. بر اساس یافته‌های تحقیق، علم تمدن ساز همان علم نافع از منظر اسلام است. دانشی در مسیر عبودیت الهی، احیای دین، مطابق و هماهنگ با فطرت و عقلانیت و در جهت خیر و صلاح و مصالح دینی و دنیایی که رویکرد کاربردی دارد و در نتیجه این علم نافع برای تحقق نیازمند عواملی چون ایمان و معنویت، حرکت جهادی و تولید است و رهایی از قید و زنجیرهایی مانند تحجرگرایی، تقلید کورکورانه و مصرف‌گرایی.

**کلیدواژگان:** علم تمدن ساز، علم نافع، بیانیه گام دوم، تولید علم، جهاد علمی، قرآن، حدیث.

## مقدمه

همزمان با آغاز دهه پنجم انقلاب اسلامی ایران، رهبر انقلاب در بیانیه‌ای آینده نظام را با طی کردن پله‌های خودسازی و جامعه‌سازی به تمدن‌سازی پیوند زدند، ایشان در این بیانیه هفت راهبرد برای رسیدن به این مقام را مطرح کردند که اولین مورد آن موضوع «علم و پژوهش» است. به گفته بیانیه گام دوم انقلاب علوم و پژوهش قدرت به دنبال دارد و در دنیای کنونی حرف اول را در پیشرفت جوامع می‌زند اما این پیشرفت در علم آثار مخربی چون استعمار، استثمار، مواد مخدر، سلاح‌های کشتار جمعی و... را نیز با خود به همراه داشته که ضرورت برخورداری از یک بنیان فکری و اندیشه‌ای محکم که چراغ راه جوامع و انسان‌ها جهت حرکت به سوی علم باشد را بیش از پیش ضروری می‌نماید و این بنیان در نگاه امام خامنه‌ای در قالب علم تمدن ساز قابل مشاهده است علمی که از منظر ایشان نافع بوده و در سایه ایمان و معنویت به بهبود زندگی بشر کمک می‌کند. با توجه به جایگاه ویژه کسب علم در معارف اسلامی، فرضیه تحقیق، تحلیل عوامل دستیابی به علم بر اساس مفهوم‌یابی آن در قرآن و روایات و همچنین رهنمودهای رهبری با محوریت بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان راهبرد دستیابی به این هدف عالی در نظر گرفته شد. در قرآن کریم و روایات، علمی مورد نظر است که خیر، احسن، اصلاح‌کننده مطابق با فطرت، کاربردی، کمک‌کننده به عبودیت الهی و مصالح دینی و دنیایی و در یک کلام علمی نافع باشد و این علم نیز همان علم مورد نظر رهبری است از سوی دیگر با توجه به این که نگاه جامعه ساز امام خامنه‌ای که خود در جایگاه رهبری، مفسر قرآن می‌باشد علاوه بر بیان برخی مختصات علم تمدن ساز موجب شناسایی بهتر عوامل تقویت و تضعیف‌کننده این علم می‌شود که آن نیز قابل تطبیق با علم نافع است. بر اساس فرضیه و هدف تحقیق، سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: «علاوه بر واکاوی چیستی علم از منظر قرآن و روایات، علم تمدن ساز مورد نظر امام خامنه‌ای کدام است؟» سوالات فرعی تحقیق عبارت است از: «علم تمدن ساز از منظر امام خامنه‌ای چه ویژگی‌ها و مختصاتی دارد؟» «آیا این مختصات با علم نافع مورد نظر

قرآن و روایات هم خوانی دارد؟» «عوامل تضعیف و تقویت کننده علم تمدن ساز چیست؟» این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی و با جست و جو در منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در مسیر تحقیق بعد از تبیین لغوی مفاهیم اصلی، ماهیت‌شناسی «علم» به عنوان مبنای نظری تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و پس از انطباق این ماهیت با تعبیر قرآنی و روایی آن یعنی «علم نافع»، ویژگی‌های علم تمدن ساز از منظر امام خامنه‌ای کشف و با روش تحلیل محتوا و بر اساس دلالت مطابقی و یا التزامی آن، عوامل تقویت و تضعیف کننده علم استخراج و استنباط شده است که البته آن نیز با تعابیر قرآنی و روایی قابل انطباق است.

در تحقیقاتی به چستی علم نافع پرداخته شده است مانند: علم نافع، ملاک‌ها و معیارها از منظر اهل بیت علیهم السلام (محققان، ۱۳۹۴)، تحقق علم نافع، راهبردی بنیادین در اصلاح و اعتلای علمی کشور (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰) علم نافع هویت ساز (جوادی آملی، ۱۳۸۸) و همچنین اهمیت علم در جامعه اسلامی نیز تحقیقات جسته و گریخته‌ای انجام شده است: طراحی الگوی جهاد علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری (پورسعید، ۱۳۹۵) مستندات قرآنی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره نسبت علم و تکنولوژی با تمدن اسلامی (مطهری فرد، ۱۳۹۶) نقشه راه رهبری برای تولید علم (تاجریان، ۱۳۸۸) اما به طور مشخص، در زمینه پیوند این دو عرصه به هم یعنی علم نافع و علم تمدن ساز از منظر مقام معظم رهبری تحقیق جامعی یافت نشد و این تحقیق از این جهت دارای نوآوری است.

### مفاهیم تحقیق

علم: در باب معنای لغوی علم منابع لغت عربی یا آن را روشن وصف کرده و از بیان معنا برای آن پرهیز نموده‌اند یا آن را با عباراتی نظیر نقیض جهل (فراهیدی، ۱۵۲) یا مترادف‌هایی مانند «معرفت» یا «فقه» یا «شعور» معنا کرده‌اند. (زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۷: ۴۹۵). یا به مفاهیم نزدیک مانند ادراک بازگردانده‌اند. نزدیکترین و کاربردی‌ترین مترادف «علم» در لغت، واژه «معرفت» و مشتقات آن است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۲ / ۶۳۴) متکلمین

دایره تعریف علم را به حوزه یقینیات محدود کرده و معتقدند هر آنچه که موجب تمییز اشیاء از یکدیگر می شود علم است. تجربه گرایان نیز علم را مبتنی بر اشیاء مرئی و سمعی و لمسی می دانند بنابراین علم، عینی است و سلیقه های شخصی و تخیلات نظری را شامل نمی شود. (آلن اف چالمرز، ۱۳۷۹: ۱۳) بعضی دیگر نیز هر آنچه که هویت ساز باشد را علم می دانند نه آنچه که هویت برانداز است. (سخنرانی آیت اله جوادی، ۲۳ آذر ۱۳۸۴) و استاد شهید مطهری کشف قوانین کلی در مورد هر چیز را علم می داند. (مطهری، ۱۳۷۶: ۱۷۱)

تمدن: واژه «تمدن» بر انواع پیشرفت ها در مظاهر متنوع زندگی بشر اطلاق می شود (مجیر شبیبانی، ۱۳۳۷: ۵/۱) تمدن از نظر لغوی به معنای شهر نشینی، اخلاق مردم شهر نشین را پذیرفتن از حالت خشونت و جهل به حالت معرفت و شهر نشینی انتقال یافتن و به طور خلاصه روش ها و اسباب شهر نشینی را اختیار کردن است (جر، فرهنگ لاروس، ۱۳۷۹: ۶۵۳/۱) در فرهنگ های عربی واژه تمدن به معنای حضاره (تمدن، شهر آیینی) نقطه مقابل بدات (بادیه نشینی) به کار رفته است. در نظر ویل دورانت تمدن عبارت از تجلی نظم اجتماعی و امکان پذیری خلاقیت فرهنگی است (ویل دورانت، ۱۳۶۷: ۱/۳) به اعتقاد هنری توماس، تمدن پدیده ای است به هم تنیده که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را شامل می شود (لوکاس، ۱۳۶۶: ۷/۱) اما در فرهنگ قرآنی تمدن به معنای داشتن فرهنگ دینی است که در آن هدایت بارز است. دیدگاهها درباره معادل واژه تمدن در قرآن متفاوت و بسیار است برخی آن را معادل تمکن (عطاالله بیگدلی، ۱۳۹۴: ص ۱۱۶) برخی نیز واژه تمدن را مساوی با مدینه و دارای یک معنا می دانند (خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵۳) برخی مفهوم امت را از نزدیک ترین مفاهیم پایه ای برای تمدن اسلامی می دانند (محمدرضا بهمنی، ۱۳۹۸: ۸۳) و برخی مانند کوثر قاسمی بر این عقیده اند که واژه امت که در قرآن آمده، بالاتر از تمدن است. (کوثر قاسمی، ۱۳۹۸: ۳۱) با توجه به این که واژه تمدن به عنوان اصطلاح از قرن چهاردهم میلادی رواج یافت تکاپو برای یافتن چنین اصطلاحی در قرآن کریم موجب فراوانی آرا خواهد شد. رسالت اصلی قرآن کریم

هدایت بشر است و نباید از قرآن کریم انتظار داشت که اصطلاحات تخصصی علوم مختلف را ارائه کند. قرآن کریم چارچوب‌ها، قوانین و ایده‌های تفکری و رفتاری فردی و اجتماعی را ارائه می‌نماید که اگر در جامعه‌ای رعایت شود در نهایت به شکل‌گیری تمدن اسلامی منجر می‌شود؛ پس نمی‌توان گفت نگاه قرآن به تمدن، ارزش‌مدارانه است و داشتن تمدن به خودی خود ارزش محسوب نمی‌شود. با بررسی آیات قرآن درباره تمدن‌ها با جست‌وجوی عبارت «من کل شی» دو تمدن را می‌توان یافت که در یک زمان هر کدام داعیه دار پیشرفت هستند یک تمدن به قدرت ملکه سبا اشاره دارد (نمل، آیه ۲۳) و دیگری سلطنت حضرت سلیمان علیه السلام (نمل، آیه ۱۶) که هر دو در یک زمان ظهور یافته و نماینده تمدن و فرهنگ سبا با مشاهده آثار تمدن و فرهنگ اسلامی حضرت سلیمان علیه السلام شروع به شکستن و فرو ریختن می‌کند و به آن می‌گردد: ﴿قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (نمل، آیه ۴۴) که این موضوع خود نشانه‌ای از برتری تمدن برپایه اسلامی در قرآن دارد. از منظر امام خامنه‌ای تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد، زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزت‌مندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت (خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری،

(۱۳۹۲/۶/۱۴، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23810>)

## ۱. علم از منظر اسلام

در قرآن واژه «علم» ۶۰ مرتبه، واژه «العلم» ۲۸ مرتبه واژه «علماً» ۱۴ مرتبه واژه «عُلَماء» یک مرتبه و واژه «العُلَماء» یک مرتبه و باقی مشتقات فراوان استعمال شده است. در آیات قرآن واژه «علم» به معنای دانستن، آگاهی، یقین و حق در مقابل جهل، ظن و گمان به کار برده شده است (نساء: ۱۵۷؛ نحل: ۷۸؛ علق: ۵ - ۱). این علم با تشکیک مراتب و شامل علم حصولی و حضوری، تصور و تصدیق، مراتب بدیهی و نظری می‌شود... مشخصه علم،

تشکیک‌پذیری آن است و علمی که در اختیار انسان قرار می‌گیرد تنها به علوم حصولی و اکتسابی محدود نمی‌باشد. دانش اکتسابی با همه اهمیتی که در ارتقا، دانایی و توانایی افراد دارد، ناقل بخشی از معرفت بشری است. حضرت علی علیه السلام در یک تقسیم‌بندی کلی، دانش را به دو بخش کلی دانش مطبوع و دانش مسموع تقسیم می‌فرماید و دانش مسموع را زمانی نافع به حال بشر می‌دانند که بردانش مطبوع مبتنی گردد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۸)

علمی که با انسان زاده می‌شود و به همراه او رحلت می‌کند مربوط به خداشناسی، خطوط کلی وحی و راه‌های اصلی رسالت و شریعت است که همگی از علوم فطری است اما علمی که از عوارض روح آدمی است از راه اکتساب و تحصیل به دست می‌آید مانند پزشکی و همه شاخه‌های آن، مهندسی و تمام شعبه‌های آن و ده‌ها رشته دیگر از علوم بشری که به تدریج تحصیل می‌شود و در پایان عمر ممکن است آن‌ها را از دست دهد: ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا﴾ (نحل، آیه ۷۸) که در پایان نیز: ﴿وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا﴾ (نحل، آیه ۷۰) دانش حصولی با وجود اهمیتی که دارد برای تعالی ذهنی و روحی انسان کفایت نمی‌کند زیرا در این علوم تماس با واقعیت تماسی با واسطه و غیر مستقیم است و آن علمی که به صورت حضوری در پیش عالم حاضر می‌شود از لحاظ اعتبار و شایستگی برتر از دانش حصولی است ولی آنچه مهم است ارتباط هوشمندانه‌ای است که شخص عالم میان دانش حضوری و حصولی برقرار می‌کند یگانه عاملی که آثار مثبت بر آمده از دانش حصولی را ماندگار می‌سازد و آن را به میراث جاودان تبدیل می‌کند اتصال آن به دانش حضوری است غنی‌سازی دانش حصولی که همواره باید به مثابه راهبردی اساسی پیش روی جویندگان علم قرار گیرد تنها با کوشش و جدیت یادگیرنده حاصل نمی‌شود بلکه عوامل مکمل دیگری نیز مورد نیاز است که از آن جمله دارا بودن قلبی مطهر و بی‌آلایش است که اصلی‌ترین شرط دستیابی به معرفت کشفی و حضوری است: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر، آیه ۲۸) و نشان می‌دهد که علم نقش عاملی هویت‌ساز برای افراد را بازی می‌کند که این هویت قبل از خلقت در این دنیا و در عالم دیگری به او داده شده

است: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره، آیه ۳۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْتَّعَلُّمِ، إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَفْعُ فِي قَلْبٍ مَن يُرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ، فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا فِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ، وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ، وَاسْتَفْهِمِ اللَّهَ - يُفْهِمُكَ. (بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۱ / ۲۲۵) امام در این حدیث دانش را نوری می‌داند که در دل هر کس که خداوند بخواهد هدایتش کند می‌افتد و راه دستیابی به این دانش کسب حقیقت عبودیت است و درخواست کسب این دانش از خود خداوند است.

لذا با مباحث مطرح شده می‌توان به این موضوع دست یافت که علم حقیقی دارای مختصات خاصی چون: حضوری بودن، کسب از طریق عبودیت، افاضه از جانب خداوند، هویت ساز، عامل ارجحیت انسان بر دیگر مخلوقات و جایگاهش قلب مطهر و بی‌آلایش است و دیگر علمی که به اصطلاح نام علم به خود گرفته‌اند از جمله علوم حصولی در صورتی نجات بخش انسان است که در سایه این علم قرار گیرد. پس مفهوم علمی که در قرآن به دنبال آن هستیم نوری است که بر قلب عابد می‌تابد و دیگر علوم در پرتو این علم است که معنا می‌یابند. لذا مرام قرآن نه ترک باقی علوم بلکه کسب آن‌ها و استفاده درست از آن در سایه نور علم واقعی است. و حتی گاهی دیگر علوم را ابزاری برای کسب علم واقعی می‌داند و شاید یکی از دلایلی که در قرآن کریم کلمه علم به صورت جمع به کار نرفته است آن است که علم یکی بیش نیست و آن شناخت حق تعالی و آثار و آیات بیکران اوست که در آفاق و انفس پراکنده شده و جلوه نموده است. (مظاهری سیف، ۱۳۸۴: ۵۸)

## ۲. جایگاه علم در تمدن اسلامی

علوم تکنولوژی شاید مستقیماً دال بر تمدن بودن یک اجتماع نباشد لکن از این حیث که جامعه علم محور دارای نوعی هویت انسانی است که او را از موجودات دیگر متمایز می‌نماید حائز اهمیت است: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر، آیه ۹) یکی از

رویکردهای تمدن‌پژوهی رویکردی است که بیشترین سهم را برای علم قائل است و شاید بتوان از این رویکرد با عنوان رویکرد یکسان‌انگارانه علم و تمدن یاد کرد. (سید حسین نصر، ۱۳۹۳: ۲۴) کوشش مسلمانان برای فهم قرآن، آن‌ها را هرچند ناخودآگاه متوجه آموزه‌ها و مباحث تمدنی قرآن کرده است برای مثال اگر قرآن به تمدن‌های پیشین یا شخصیت‌های تمدن ساز و یا مولفه‌های یک تمدن مانند معادن، صنایع و علم آموزی اشاره کرده است، این موضوع به‌طور طبیعی نظر مسلمانان را به این پدیده‌ها جلب کرده و توجه مسلمانان به محیط طبیعی زندگی شان خود سرآغاز سلسله‌ای از فعالیت‌های علمی شده است که می‌توان آن‌ها را فعالیت‌های تمدنی نامید. علامه طباطبائی در این زمینه به صراحت می‌نویسد: «و به جرئت می‌توان گفت که عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و غیر آن‌ها به صورت نقل و ترجمه در آغاز کار و به نحو استقلال و ابتکار در سرانجام همان انگیزه فرهنگی بود که قرآن مجید در نفوس مسلمانان فراهم کرده بود» (طباطبائی، بی‌تا: ۱۳۹) دانشمندان مسلمان در روزهای اوج تمدن اسلامی علم و دانش را از دو روش کسب کردند یکی وحی و دیگری آزمایشات و مشاهدات تجربی. آن‌ها گرد هم آمدند و «حقایق» ایجاد شده توسط یونانیان، ایرانیان، مصری‌ها، هندی‌ها و چینی‌ها را در زمینه‌های مختلف از دانش مانند ریاضیات، فیزیک، زیست‌شناسی، جغرافیا، نجوم، پزشکی و داروسازی را مورد مطالعه قرار دادند سپس آن‌ها آزمایش‌های انجام شده پیشین را تکرار کردند و اغلب تکنیک‌های تجربی گذشتگان را اصلاح و بهبود بخشیدند و متعاقباً اطلاعات به دست آمده از این آزمایشات را جمع‌آوری کردند سپس پس از اصلاح و بازنگری اطلاعات اصول جدید برای علم و دانش بنا نهادند این موضوع حتی به ایجاد شاخه‌های جدیدی از علم که هرگز قبل از آن به آن‌ها فکر نشده بود منجر شد. (آرام، ۱۳۶۶: ۵۶) لذا در تجربه‌ای که مسلمانان در ساخت تمدن اسلامی داشتند رد پای علم در سایه آموزه‌های اسلام کاملاً مشهود و ملموس است.

### ۳. علم نافع، علم مورد نظر اسلام

با نگاهی کوتاه به روایات اسلامی به خوبی فهمیده می‌شود که علم مقبول ممدوح، با صفت «نافع» مورد اشاره قرار گرفته پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: خَيْرُ الْعِلْمِ مَا نَفَعَ (شیخ صدوق، ۱۴۰۰، ۳۹۴)، . همچنین ایشان فرمودند: اللَّهُمَّ اِنْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ عَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي وَ زِدْنِي عِلْمًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ (۱۴۰۳ق. ۲: ۶۳) همچنین از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمودند: لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۷۰) نافع مشتق شده از کلمه «نفع» است که همراه با سایر مشتقات این ریشه به دفعات بسیار در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام به کار رفته‌اند. «نفع» در لغت به معنای وسیله وصول به هدف است (راغب اصفهانی، ۴: ۳۸۵) لذا آن علمی که کمک کند تا جامعه اسلامی به هدف خود که همانا تمدن اسلامی است برسد آن علم نافع است.

شهید مطهری در تعریف نافع بودن علم، هر نوع فایده و اثر داشتن را کافی می‌داند... اما برای فهم معنا و مفهوم فایده و اثر نیز می‌باید به این نکته توجه نمود که هر علمی که به منظوری از منظوره‌های فردی یا اجتماعی اسلام کمک دهد و ندانستن آن سبب زمین خوردن آدمی گردد آن علم را اسلام توصیه می‌کند اما در مقابل هر علمی که نتایج سوء در برداشته باشد یا در منظوره‌های اسلامی تاثیری نداشته و یا اساساً اسلام درباره آن علم نظر خاصی ارائه نداده است از منظر تعالیم الهی مورد تأیید نبوده، باید آن را رها نمود (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۱۷۲) علامه طباطبائی نیز علم نافع را علمی می‌داند که در انسان، نور معرفت و ایمان به خدا و شناسایی اسماء و صفات الهی را ایجاد می‌کند و راه به دست آوردن آن را به کارگیری حس و عقل و توجه به الهامات باطنی می‌داند (طباطبائی، ۵: ۵۰۹)

در جدول زیر به برخی از ویژگی‌های علم نافع به وسیله روایات اشاره شده

ردیف	روایت	ویژگی
۱	أَلْعِلْمُ رَأْسُ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَ الْجَهْلُ رَأْسُ الشَّرِّ كُلِّهِ (مجلسی: ۷۴ / ۱۷۵)	به معنای خیر

مترادف با احسن و نیکوترین	الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحَاطَ بِهِ، فَخُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ (غرر الحکم ۴۲)	۲
اصلاح کننده و اصلاح گر	خَيْرُ الْعُلُومِ مَا أَصْلَحَكَ. (غرر الحکم ۴۹۶۲)	۳
مطابق با فطرت، هدایت الهی و حقیقت جویی	الْعِلْمُ عَلْمَانٍ: مَطْبُوعٌ وَ مَسْمُوعٌ، وَلَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَطْبُوعُ (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۱)	۴
کاربردی	أَنْفَعُ الْعِلْمِ مَا عُمِلَ بِهِ (غرر الحکم ۲۹۳۳)	۵
غالب بر هوای نفس	مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ هَوَاهُ فَهُوَ عِلْمٌ نَافِعٌ (مجلسی، ۷۱:۲۱)	۶
کمک کننده برای عبودیت الهی و احیای دین	بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَ يُعْبَدُ، وَ بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَ يُوَحَّدُ (مجلسی، ۱:۶۴)	۷
علمی در جهت مصالح دینی و دنیایی	مَرَّةٌ الْعِلْمُ الْعَمَلُ لِلْحَيَاةِ. (عیون الحکم و المواعظ، ۲۰۹)	۸

بنابراین با توجه به این مفاهیم می توان گفت علم نافع علمی است کاربردی برای مصالح دینی و دنیایی، کمک کننده برای عبودیت الهی و احیای دین که اصلاح کننده امور مردم است و در آن هوای نفس راه ندارد و از آن خیر و نفع به مردم می رسد.

#### ۴. علم نافع، علم مورد نظر امام خامنه ای

علمی از منظر رهبری شریف تر از همه علم هاست که هدف از آن نجات و هدایت انسانهاست. (امام خامنه ای، دیدار با مسئولین کشور، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۶/۹/۰۷) از منظر حضرت امام خامنه ای علم همراه با دین و اخلاق موجب تمدن سازی می شود. (امام خامنه ای، دیدار نخبگان جوان با رهبر انقلاب، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3351>، ۱۳۸۵/۶/۲۵) در جدول زیر برخی از مولفه ها و ویژگی های علم مورد نظر رهبری را با توجه به بیانات ایشان از سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ را بیان می کنیم:

ردیف	بیانات رهبری	مضامین پایه مورد نظر رهبری
۱	دین می گوید که علم را دنبال کنید.... دین گفته است که باید دنیا	همراهی دین با علم،

<p>اصلاح امور دستور دین به علم آموزی ضرورت علم آموزی</p>	<p>را آباد کرد (دیدار کارکنان وزارت آموزش و پرورش، <a href="https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=18332">https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=18332</a>، ۱۳۷۸/۱۲/۷) ما از طرف دین ماموریم که قوانین حاکم بر این گون عظیم را با روح علمی و علم گرایی کشف کنیم (دیدار با گروه دانش صدا و سیما، <a href="https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=2575">https://farsi.khamenei.ir/print-</a> <a href="https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=2575">content?id=2575</a>، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵) علم یک نوع معرفت است و برای جامعه بشری یک ضرورت محسوب می شود (دیدار با مردم شهر بابل، <a href="https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=12244">https://farsi.khamenei.ir/news-</a> <a href="https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=12244">content?id=12244</a>، ۱۳۷۴/۷/۲۵)</p>	
<p>تعلیم پایان ناپذیر، یادگیری وظیفه افراد جامعه</p>	<p>همه شما باید احساس کنید که در جامعه اسلامی در حال تعلم یعنی یاد گرفتن هستید... یاد گرفتن که حد ندارد. (دیدار با جمعی از معلمان، <a href="https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2611">https://farsi.khamenei.ir/speech-</a> <a href="https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2611">content?id=2611</a>، ۱۳۷۱/۲/۹)</p>	۲
<p>ساخت تمدن اسلامی با حرکت علمی</p>	<p>تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی به وجود آمد.... (دیدار با جمعی از نخبگان علمی، <a href="https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3251">https://farsi.khamenei.ir/speech-</a> <a href="https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3251">content?id=3251</a>، ۱۳۸۳/۷/۵) بدون شک علم پایه تمدن است. (دیدار با دانشجویان، جلسه پرسش و پاسخ، <a href="https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3177">https://farsi.khamenei.ir/speech-</a> <a href="https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3177">content?id=3177</a>، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)</p>	۳
<p>همراهی علم با دین و اخلاق همراهی علم با دین شرط فایده مندی ایمان موجب پیشرفت علم سازگاری علم و دین</p>	<p>علم با دین و اخلاق، برای بشریت مفید خواهد بود. علم هر چه هم پیشرفت کند، اگر از اخلاق و دین فاصله بگیرد، به حال بشریت مفید نخواهد بود. (دیدار با نخبگان جوان، <a href="https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3351">https://farsi.khamenei.ir/speech-</a> <a href="https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3351">content?id=3351</a>، ۱۳۸۵/۰۶/۲۵) دانش، آن وقتی به کار خواهد آمد که با دین همراه باشد. (دیدار طلاب و روحانیون کهکیلویه و بویر احمد، <a href="https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=680">https://farsi.khamenei.ir/news-</a> <a href="https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=680">content?id=680</a>، ۱۳۷۳/۳/۱۷)</p>	۴

<p>تولید علم، ساخت علم، حرکت علمی شکوفا، امیدبخش و آینده نگر</p>	<p>رویکرد مصرف‌کنندگی علم را باید به رویکرد تولید علم تبدیل کنیم. (دیدار با جمعی از استادان و نخبگان دانشگاه، سایت رهبری، <a href="https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39877">https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39877</a> (۱۳۹۷/۰۳/۲۰) ما باید علم را خودمان تولید کنیم (دیدار با برگزیدگان آزمونهای سراسری و المپیادهای ورزشی، <a href="https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=998">https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=998</a> (۱۳۸۱/۷/۳)، علی‌رغم خواست دشمن، باید حرکت علمی در کشور شکوفا و امیدبخش و آینده‌نگر باشد (دیدار با جمعی از دانشگاهیان، <a href="https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2089">https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2089</a> (۱۳۶۸/۳/۲۳))</p>	<p>۵</p>
<p>سازگاری تمدن با تدین استفاده از روشهای علمی نشانه تدین</p>	<p>تمدن، یعنی زندگی توأم با نظم علمی... و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن (دیدار با امیر قطر، <a href="https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=8348">https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=8348</a> (۱۳۸۸/۸/۱۴)) یکی از نشانه‌های تدین در محیط کار، همین است که باید از روشهای علمی دقیق، متین و ریزبینانه استفاده کند تا اشتباهات کمتر شود. (دیدار با کارکنان وزارت اطلاعات، کتاب روشنای علم، ص، ۴۰، ۱۳۷۹/۱۲/۷)</p>	<p>۶</p>
<p>علم به سود بشریت، خروج علم از خدمت به ظالم‌ها</p>	<p>علم باید به سود بشریت تمام شود (دیدار مردم شاهرود، <a href="https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1443">https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1443</a> (۱۳۸۵/۸/۲۰)، امروز علم در خدمت ظالم‌ترین انسان‌ها و ظالم‌ترین جوامع است باید از این حالت خارج شود. (بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه، <a href="https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2860">https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2860</a> (۱۳۸۸/۱۱/۱۳))</p>	<p>۷</p>
<p>مراقبت از دستگاه علمی، سازندگی اخلاقی و معنوی در کنار علم</p>	<p>ما بایستی دستگاه علمی خودمان را مراقبت کنیم و یک راه جدیدی برای علم درست کنیم آن چیست؟ آن عبارت است از سازندگی اخلاقی و معنوی در کنار علم (دیدار با روسای دانشگاهها، <a href="https://www.leader.ir/fa/speech/13855/www.leader.ir">https://www.leader.ir/fa/speech/13855/www.leader.ir</a>)</p>	<p>۸</p>

	(۱۳۹۴/۸/۲۰)	
دستیابی به علم نافع و لازم برای حال و آینده کشور	دنبال علمی باشیم که برای کشور لازم و نافع است نه فقط برای حال کشور، بلکه برای ده سال بعد و بیست سال بعد کشور. (بیانات در دیدار روسای دانشگاهها، <a href="https://farsi.khamenei.ir/newspart-index-old?tid=11083&amp;npt=9#57343">https://farsi.khamenei.ir/newspart-index-old?tid=11083&amp;npt=9#57343</a> ، ۱۳۹۴/۸/۲۰)	۹
فضیلت تلاش و جهاد علمی	جهاد علمی و رسیدن به مقام مرجعیت علمی. (ابلاغ سیاستهای کلی علم و فناوری، <a href="https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1667">https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1667</a> ، ۱۳۹۳/۶/۲۹) اهمیت دادن دین به علم آموزی (دیدار با وزیر آموزش و پرورش، ۱۳۷۸/۱۲/۷، کتاب روشنای علم، ص ۱۷)	۱۰

علمی از منظر امام خامنه‌ای علم نافع است که علاوه بر ساخت شخصیت فرد نخبه موجب ساخت جامعه و خدمت رسانی به مردم نیز شود. نگاه تمدنی امام خامنه‌ای به این علم آن را از حالت فردی خارج کرده و متوجه اجتماع کرده است و از نخبگان علمی توقع انقلابی و جهادی عمل کردن در این راه دارد که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

## ۵. علم در بیانیه گام دوم انقلاب

در بیانیه گام دوم انقلاب ترکیب‌هایی اضافی با علم بیان شده است که هر کدام وجهی از شرایط علمی در کشورمان و جهان را نشان می‌دهد: تولید علم، پیشرفت علم، آفرینش علم، کاروان علم، استعداد علمی، رستاخیز علمی، تحریم علمی، مسابقه علمی، انقلاب علمی و جهاد علمی از جمله این ترکیب‌هاست که نشان می‌دهد کشورهای جهان در یک کاروان رو به جلو برای دستیابی به علم و دانش در حال مسابقه و حرکتند و کشور ما با این که روند انجام تحقیقات علمی و پژوهشی‌اش از متوسط جهان بالاتر است اما هنوز از

کشورهای جهان بسیار عقب است و با یک رستاخیز و انقلاب علمی و با حرکت جهادی باید تولید، پیشرفت و آفرینش علمی را بیش از پیش فراهم کند و این مهم برعهده جوانان کشور است. (بیانیه گام دوم انقلاب فراز اول توصیه‌ها) (بیانیه گام دوم انقلاب <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

در بیانیه گام دوم انقلاب به بحث علم در دو بخش پرداخته شده است بخش اول مربوط به سرگذشت انقلاب اسلامی است که حضرت امام خامنه‌ای آن را کافی نمی‌دانند و علم را ابزاری برای رسیدن به تمدن اسلامی قرار می‌دهند همان‌گونه که قرآن نیز می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (انفال، آیه ۶۰)

در بخش توصیه‌ها این مهم به علم و پژوهش منحصر شده است. آنچه که مربوط به علم و معنای لغوی آن بود بیان شد اما در بحث پژوهش این لفظ به معنی جست‌وجوی منظم و تلاشی که بر مبنای علم و استدلال و شواهد و منابع انجام می‌گیرد تا نظریه‌ای اثبات گردد و نکته‌ای کشف و بیان و تولید علمی صورت گیرد. (یوسفی، ۱۳۹۶: ۱۰) پژوهش ابزاری است برای رشد و گسترش علم و همان اندازه که علم و رشد و گسترش آن ارزش و اهمیت دارد، پژوهش نیز اهمیت و ضرورت خواهد داشت. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۱) لذا برای تولید علم نیازمند پژوهش هستیم. به همین منظور نیز حضرت امام خامنه‌ای در بخش توصیه‌ها علم و پژوهش را در کنار هم می‌آورند تا توجه‌ها را به اساس تولید و پویایی در علم توجه دهند.

در ادامه برای دریافت آنچه موجب تقویت علم تمدن ساز از منظر رهبری است و یا مانعی برای آن محسوب می‌شود با توجه به فراوانی آن‌ها در بیانات رهبری مورد بررسی و تطبیق قرآنی قرار می‌گیرد.

ردیف	کلمات مرتبط با علم در رهنمودها و مکتوبات رهبری	تعداد تکرار	تاریخ
۱	علم	۳۷۴۹	سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۰
۲	تولید علم	۱۱۲۳	از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۸

۱۳۹۸ تا ۱۳۸۵ سال	۱۲۱۲	جهاد علمی	۳
از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰	۸۰۰	ترکیب علم و دین (همراهی علم با ایمان، اخلاق یا معنویت)	۴
از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۹	۶۰	مصرف‌گرایی علمی (ماندن در جایگاه مصرفی)	۵
سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۶	۸۰	تقلید در علم (تقلید کورکورانه از علم و فرهنگ غرب)	۶
سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۵	۳۰	تحجرگرایی در علم (تحجر مقابل نوآوری)	۷
سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۵	۱۰۰	حس‌گرایی یا فرهنگ مادی‌گرایی	۸

## ۶. عوامل تقویت‌کننده علم

### الف) ایمان

ترکیب علم و ایمان برآمده از دین، با بسامد بالا در سخنان رهبری نشان دهنده آن است که ایشان علم بدون آن را علم نافع برای جامعه‌سازی و پیشرفت نمی‌دانند. غایت علم از منظر قرآن نیز دستیابی به قرب الهی و نزدیک شدن و درک نور حقیقت است و از سوی دیگر راه رسیدن به علم مورد نظر در قرآن از راه حواس می‌گذرد ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالبَصَرَ وَالفؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ (اسراء، آیه ۳۶) و حواس برابر دریافت علم دارای مسئولیت است و فواد یا قلب در آیاتی در کنار حواس ظاهری آمده است: ﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالبَصَرَ وَالبَصَارَ وَالأَفْئِدَةَ﴾ (مومنون، آیه ۷۸) که نشان دهنده تکمیل حواس ظاهری به وسیله قلب است و این قلب کارایی‌هایی از قبیل اندیشیدن، دقیق دانستن و فهمیدن دارد: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ (انفال، آیه ۳) و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ (حجرات، آیه ۱۴) نشان می‌دهد که قلب جایگاه ایمان نیز هست به این ترتیب طرح جامع شناخت در قرآن، ایمان را کنار قلب و حواس ظاهری قرار داده و حاصل ادراک حسی و فهم تفکری که از آن به علم حصولی نظری<sup>۱</sup> نام می‌برند علمی

۱. رجوع کنید به، شمس کلاهی، *چگونگی پیدایش علم حصولی نظری از دیدگاه قرآن*، معارف عقلی، شماره

است که مورد تأکید قرآن می‌باشد و این ایمان حتماً در دارندگان علم وجود دارد: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (آل عمران، آیه ۱۸) و در غیر این صورت ادراکات حسی برای مردمان بی‌ایمان بی‌فایده است: ﴿قُلِ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (یونس، آیه ۱۰۱) بنابراین اگر علمی بدون ایمان و هدف عبودیت و شناخت و آگاهی نسبت به خالق باشد از منظر دین آن علم، علم نیست و دارندگان واقعی علم کسانی هستند که برابر بزرگی خداوند خضوع دارند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَجْرُونَ لِلآذْقَانِ سُجَّدًا﴾ (اسراء: ۱۰۷) و این خضوع و ایمان اطاعت از پروردگار و در نتیجه اخلاق الهی را به دنبال دارد بنابراین هر چه شناخت بالاتر رود ایمان افراد افزوده شده و در سایه آن اخلاق آن‌ها نیز رشد می‌کند و از علم به دست آمده جهت رضای خالق استفاده می‌کنند. نه رضای مخلوق.

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، علم پایه تمدن است؛ اما شرط کافی برای مدنیت درست نیست. (امام خامنه‌ای، دیدار جمعی از معلمان برگزیده، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1380>) بنابراین علم غربی که در واقع علم جدای از دین است در خدمت سرمایه‌داران بوده و ضمن انحصارگرایی علمی، منجر به سرکوب ملت‌ها شده (امام خامنه‌ای ۱۳۸۱/۵/۱۹، کتاب روشنای علم، ص ۱۲۷) و نتیجه‌اش چیزی جز وحشیگری اخلاقی جوامع مترقی و متمدنی که از معنویت و دین‌بویی نبرده‌اند خواهد شد و همین وحشیگری لغزشگاه بزرگ تمدن غربی امروز است و آن‌ها را سرنگون خواهد کرد. (امام خامنه‌ای، دیدار با طلاب مدرسه آیت‌الله مجتهدی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138>) ، ۲۲/۳/۱۳۸۳)

## ب) معنویت

علامه طباطبائی معتقدند مقامات معنوی انسان، یک رشته واقعیت‌های حقیقی بیرون

از واقعیت طبیعت و جهان ماده است و عالم باطن جهانی است بسیار اصیل تر و واقعیت دارتر و پهناتر از جهان ماده و حس. (طباطبائی، ۱۳۸۷: ۶۳) سعیدی استعمالات رایج معنویت را فرایند جست‌وجوی نسبتاً پایدار امر قدسی در زندگی عنوان می‌کند. (سعیدی، ۱۳۹۹: ۱۹۰) بابایی نیز معنویت را گوهر دین می‌داند و معتقد است «ایمان»، «پرهیزگاری»، «باورمندی»، «فضیلت‌گرایی» و «پابندی به احکام و مناسک دینی» روح و کالبد معنویت‌اند. (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۲ - ۲۷) آیت‌الله مصباح معنویت را که دارای نتایج فردی و اجتماعی است دارای اساس ایمان می‌دانند. (مصباح، ۱۳۹۱: ۵۷) نورمحمدی نیز معنویت در قرآن را به ایمان داشتن افراد به توحید، معاد، عالم غیب و... گره می‌زند. (نورمحمدی، ۸۳) بنابراین تعاریف می‌توان معنویت را امر قدسی و یا حقایقی و رای طبیعت و جهان ماده دانست که انسان برای به دست آوردن آن تلاشی مستمر دارد و این امر قدسی خاتمه‌ای ندارد مگر الله و با توجه به آیه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (نور، آیه ۳۵) می‌توان گفت راه رسیدن به امر قدسی، هدایت به نور است (انعام، آیه ۱۲۲) که اصلی‌ترین ثمر آن حیات طیبه است: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ (نحل، آیه ۹۷).

بنابراین از منظر قرآن شاخصه داشتن معنویت در انسان هدایت به نور تا رسیدن به حیات واقعی است. و لازمه رسیدن به این معنویت پذیرش ولایت خداوند و ایمان به اوست: ﴿اللَّهُ وَبِئْسَ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (بقره، آیه ۲۵۷) و این نور مختص کسانی می‌شود که امور دنیا آن‌ها را به خود مشغول نمی‌کند: ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ... رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ (نور، آیه ۳۵ و ۳۷) و شاه کلید اصلی قرار گرفتن در مسیر معنویت از منظر قرآن همان: ﴿يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ (مائده، آیه ۱۶) است. یعنی هر انسانی اگر در مسیر هدایت به نور قرار گیرد به نوعی معنویت و اخلاق الهی نیز در او شکل می‌گیرد و این مقام تشکیکی است و بنابه میزان ایمان، عمل صالح (نحل، آیه ۹۷)، خودنگهداری (نور، آیه ۳۵ و ۳۷)، توجه به قرآن (طلاق، آیه ۱۱) و ولایت‌پذیری خداوند (بقره، آیه ۲۵۷) متغیر است و در هر مرحله حیاتی متناسب با آن به

انسان مؤمن افاضه می‌شود. و اگر این معنویت در کسی شکل گیرد او به نور حقیقت که علم واقعی است رهنمون می‌گردد و اگر این نور نباشد سراسر ظلمت است. (بقره، آیه ۲۵۷) لذا برای به دست آوردن علم مورد نظر برای تمدن‌سازی اسلامی نیازمند علمی هستیم که انسان را به نور هدایت کند و این نور در سایه معنویت واقعی شکل می‌گیرد. هرچند علم مادی باشد اما باید، عاملی برای جهت دهی و تقویت آن علم بیاید که معنویت از آن عوامل است.

### ج) تولید

منظور از تولید علم، رسیدن به مرحله‌ای است که عقل انسان با قوت بالایی که به دست آورده اثری را تولید و خلق کند. تقریباً یک هشتم از آیات قرآن ویا حدود ۷۵۰ آیه، مومنان را به مطالعه طبیعت تشویق و ترغیب می‌نماید.

منابع علم آموزی: در قرآن کریم به چهار منبع دریافت علم و معرفت اشاره شده: طبیعت، خود، جامعه و تاریخ: در باب دریافت معرفت از طبیعت مثالهای بسیاری در قرآن بیان شده است ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ﴾ (ذاریات، آیه ۲۰) قرآن برای تشویق انسان‌ها به امر تولید، زنبور عسل را مثال می‌زند (نحل: ۶۸ و ۶۹) در رفتار این حیوان کوچک‌ترین انحرافی از استانداردهای تکوینی مشاهده نمی‌شود. همچنین انسان را به تفکر در درون خود دعوت می‌کند: ﴿وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (ذاریات، آیه ۲۱) معرفت برآمده از شناخت پدیده‌های عالم خلقت هر کمال طلبی را به طور مستقیم با رب و مالک عالم پیوند می‌دهد.

«جامعه» کانون مهم دیگری برای معرفت‌اندوزی است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (حجرات، آیه ۱۳) منظور از عرفان و شناخت در این آیه شناخت نیازمندی‌ها نگرش‌ها و روحیه‌هاست، حجم قابل توجهی از آگاهی‌ها در اثر ارتباطات متقابلی که میان آحاد جامعه برقرار می‌شود تولید می‌گردد. مطالعه «تاریخ» نیز می‌تواند سهم مهمی را در ایجاد و توسعه آگاهی‌های فردی برعهده گیرد (فاطر، آیه ۴۴) تقویت معرفت تاریخی قدرت پیش‌بینی و پیش‌گیری انسان را ارتقا می‌بخشد و فرد با شناختی که از شخصیت‌ها و روحیه‌های مختلف پیدا می‌کند سعی در برقراری روابط

منطقی تر و پخته تر با دیگران می نماید.

گشتن و یافتن: از گشت و گذار در زمین و نظاره کردن همراه با تفکر، حقایقی برای انسان هویدا می گردد که چنین سیاحتی به واسطه کسب علمی که آدمی می کند پیشرفت او را نیز بدنبال خواهد داشت هم پیشرفت مادی و هم پیشرفت معنوی: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ﴾ (عنکبوت، آیه ۲۰)، ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونْ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا﴾ (حج، آیه ۴۶) «سیر» به معنی راه رفتن در روی زمین است و با گشتن با جسم و بدن حاصل می شود.<sup>۱</sup> و «نظر» به معنای بر گرداندن و توجه دادن چشم ظاهر و چشم باطن برای دیدن و ادراک چیز است که مقصود از این عمل تأمل و تحقیق درباره آن است. (طباطبائی: ۴ / ۳۵۸). بنابراین در بسیاری از مواقع جست و جوی علمی گشت و گذار را طلب می کند بسیاری از پدیده های علمی به وسیله جست و جوی طبیعت و آثار گذشتگان کشف می شوند و این جست و جوی همراه با فکر و تعمق است که ثمر بخش خواهد بود.

آباد کردن زمین: خداوند متعال بشر را موظف به آباد کردن زمین کرده است و این عمران و آبادانی را از بین تمام موجودات به انسان واگذار کرده: ﴿وَإِلَى تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود، آیه ۶۱) علامه طباطبائی در تفسیر این آیه با اشاره به لفظ «و استعمرکم فیها» آورده اند: کلمه "عمارت" به معنای آن است که زمین را از حال طبیعتش برگردانی و وضعی به آن بدهی که بتوان آن فوایدی که مترقب از زمین است را استفاده کرد، کلمه "استعمار" به معنای طلب عمارت است به این معنی که از انسانی بخواهی زمین را آباد کند بطوری که آماده بهره برداری شود،

---

۱. اما در مورد آیه: (سیرُوا فی الْأَرْضِ - ۱۱ / انعام) گفته شده تشویقی است بر سیر و سیاحت در زمین با جسم و بدن و نیز گفته شده تشویقی است بر جولان فکری و دریافت حالات دگرگون شده اقوام و زمین... و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «سافروا تغنموا». یعنی سفر کنید تا غنیمت یابید و بهره مند شوید، راغب اصفهانی ج ۲؛ ص ۲۷۵.

بهره‌ای که از آن زمین توقع می‌رود. (طباطبائی: ۴۶۱/۱۰) ساختن و آباد کردن در هر زمینه‌ای حتماً تولید علم و نوآوری را به دنبال خواهد داشت در نتیجه دستور به آبادانی می‌تواند یکی از سرچشمه‌های تولید دانش در قرآن باشد. حضرت امام خامنه‌ای نیز علم را منشا قدرت و ثروت برای جامعه می‌دانند (امام خامنه‌ای، دیدار با جمعی از روسای دانشگاهها، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3266>، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷) و معتقدند برای تولید علم باید به نوسازی بنیانهای علمی جامعه روی آوریم و این نوسازی و تولید فقط در سایه پژوهش امکان‌پذیر است (امام خامنه‌ای، دیدار با جمعی از اعضای هیئت علمی دانشگاهها، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1005>، ۱۳۸۱/۸/۲۲)

#### د) جهاد

از منظر اصطلاحی واژه جهاد زاییده متون دینی است که به‌گونه‌ای خاص از تلاش یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های خود در مواجهه با کافران با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر یا دفاع از آن‌ها اطلاق می‌شود. (ابن عابدین، ۱۴۱۵: ۲۱۷/۳) و فقط مختص به جنگ و قتال نیست بلکه به هر گونه تلاش پرنیرو در مقابل مانع یا دشمن را شامل می‌شود (امام خامنه‌ای، سخنان پیش از درس خارج فقه، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2723>، ۱۳۷۳/۶/۲۰). بنابراین در دیدگاه قرآن نیز هر گونه تلاش برای کسب علم به منظور مقابله با مانع یا دشمن در راستای اصلاح امور مردم و قرب الهی را می‌توان به نوعی جهاد دانست: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (مائده، آیه ۳۵)

علامه طباطبائی جهاد در این آیه را مطلق جهاد می‌داند و با توجه به اتصال به جمله قبل که در آن کلمه "وسيله" به معنای رساندن خود به چیزی است با رغبت و میل می‌توان نتیجه گرفت که هر گونه تلاش مستمر همراه با رغبت و میل به منظور رساندن بنده به پروردگارش سبب فلاح و رستگاری می‌شود. (طباطبائی: ۵ / ۵۳۶) در تفسیر آیه ۵۲ سوره فرقان ﴿فَلَا تُطِيعُوا الْكٰفِرِيْنَ وَ جَاهِدُوْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا﴾ آمده بهترین و بزرگترین جهاد در پیشگاه

خدا، جهاد کسانی است که شبهه‌های دشمنان دین را باطل می‌کنند. که به نوعی به جهاد علمی اشاره دارد. امام صادق علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: **عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالتَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيئُهُ يَنْعَوُهُمْ عَنِ الخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا...** (مجلسی، بی‌تا: ۵/۲) که نشان می‌دهد علمای شیعه مرزبانانی هستند که با جهاد علمی جلوی شبهات و تسلط‌ها را می‌گیرند. همچنین در داستان حضرت موسی علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام می‌توان به نوعی مجاهدت در کسب علم و معرفت را مشاهده کرد، احترام و اکرامی که حضرت موسی علیه السلام در مقابله با حضرت خضر علیه السلام نشان می‌دهد و در این راه اصرار و تلاش همراه با رغبت و شوق دارد نشانه‌ای از جهاد علمی است.

در بررسی آیات قرآن در همنشینی با واژه جهاد می‌توان واژه «فی سبیل الله» با ۱۶ بار تکرار را پر بسامدترین ترکیب همراه با جهاد دانست که به نوعی به شاخصی برای جهاد علمی نیز می‌تواند به کار رود در نگاه قرآنی ما علم برای علم نداریم، علم برای این که بیشتر بدانیم نداریم حتی علم برای توسعه هم نیست. در نگاه قرآنی علم برای راه خداوند است و همان‌طور که گفتیم به منظور قرب الهی است ممکن است این حدیث: «رجعنا من الجهاد الاصغر فعلیکم بالجهاد الاکبر» ناظر به همین حقیقت باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۱۶/۱۷)

امام خامنه‌ای نیز بیش از هر ترکیب دیگری بر جهاد علمی در چند ساله اخیر تأکید دارند.

## عوامل تضعیف‌کننده علم

### الف) تقلید کورکورانه

در دنیای کنونی که عرصه‌های علوم گسترده و تحقیقات وسیع شده‌اند نمی‌توان مرزهای علوم را بست و ناچار برای دستیابی به برخی علوم نیازمند گرفتن آن از دیگر ملل هستیم اما این موضوع سد راه توجه به نوع، منبع و چگونگی ورود این علوم به جامعه نمی‌شود. زیرا از منظر قرآن ممکن است عده‌ای علم داشته باشند اما در زمره ظالمان و

کافران قرار بگیرند: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾ (یونس، آیه ۳۹) علوم در دنیا به علوم انسانی و علمی که به علوم تجربی و عملی نظر دارند تقسیم می‌شوند و پر واضح است که علوم تجربی سخت افزاری برای علوم انسانی است. توجه به علوم انسانی و تولید این علوم بر اساس آموزه‌های اسلامی نیاز اولیه و واجب در ساخت تمدن اسلامی است زیرا به گفته حضرت امام خامنه‌ای بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادی‌گری، ... عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند و نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. که اگر عینا همان نوشته‌ها را به جوانان خود آموزش دهیم در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزشهای خودمان را در قالبهای درسی به جوانها منتقل کنیم. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با نخبگان جوان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33399>، ۱۳۸۶/۶/۱۲) در قرآن نیز بیان شده است: ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرَكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ علامه طباطبائی در تفسیر این آیه آورده‌اند: مشیت الهی بر هدایت نکردن مردم ظالم و دل‌بستگان به زندگی خاکی است هرچند دارای نشانه‌ها و علمی باشند که نشان دهنده راه و شناخت خداوند باشد. (طباطبائی: ۸ / ۴۳۳) حضرت امام خامنه‌ای نیز درباره گرفتن علم از غرب معتقدند که ابایی نداریم که آنچه خوب و زیبا و معقول و منطقی و با اصولمان سازگار است از هر کسی در دنیا بگیریم حتی اگر آن کس دشمن خودمان باشد. (امام خامنه‌ای، دیدار با روسای دانشگاههای، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۶/۷/۹) اما این تقلید نباید کورکورانه و با حالت بت پرستی باشد و حرف متفکر غربی را حجت بدانیم. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹)

### ب) مصرف‌گرایی علمی

از نگاه قرآن مسلمانان باید از تمام جهات از استقلال کامل برخوردار باشند: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ

اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿نساء، آیه ۱۴۱﴾ و کسانی که در راه و خط خدایند نباید منتظر بمانند تا دیگری که از راه حق منحرف شده‌اند علم را به آنان بدهند: ﴿وَمَا كُنْتُمْ تُتَّخَذُونَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾ (کهف، آیه ۵۱) که سنت خدای عز و جل این است که گمراه کنندگان را کارگردان و یاور خود نگیرد. (طباطبائی: ۱۳ / ۴۵۵)

بزرگترین آفت غلبه جریان‌های علمی غرب عدم توجه به جهان‌بینی حاکم بر علوم به‌ویژه در زمینه علوم انسانی است چنانچه حضرت آیت‌الله جوادی آملی در جمع اعضای شورای سیاست‌گذاری و شورای علمی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۴ بیان کردند: "امروز در دانشگاه‌های غرب لاشه علم ارائه می‌شود چرا که علم در غرب، علمی فارغ از توجه به مبدا فاعلی و غائی است و این علم مانند یک مردار، فاقد تحرک و پویایی است"

حضرت امام خامنه‌ای نیز دربیانات خود بارها با بیان ترکیب‌هایی چون علم آفرینی (امام خامنه‌ای، جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان شهید بهشتی، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۲/۲/۲۲). علم‌پروری (امام خامنه‌ای، دیدار با برگزیدگان المپیادهای علمی کشور، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۱/۷/۳) علم‌پژوهی (امام خامنه‌ای، دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۶/۲/۲۵) علم‌جویی (امام خامنه‌ای، دیدار با دانشجویان نخبه کشور، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۳/۷/۵) و علم‌گرایی (امام خامنه‌ای، دیدار دانشجویان نخبه با رهبری، نرم افزار حدیث ولایت ۱۳۸۷/۶/۵) و همچنین استفاده از عباراتی مانند رستاخیر، انقلاب و کاروان علمی در بیانیه گام دوم انقلاب به مسئله عدم مصرف‌گرایی صرف علوم به‌خصوص علوم انسانی پرداخته‌اند. ایشان نه این‌که گرفتن علوم از غرب و دنیای مدرن را به کلی نفی کنند بلکه هشدار می‌دهند که این رابطه نباید به صورت یک طرفه و پذیرش تام تمام علوم از سوی غرب باشد بلکه گرفتن علوم از غرب باید با نگاه نقادانه ارزیابی و در صورت نیاز داخل دریافت شود (امام خامنه‌ای، دیدار با جوانان، اساتید معلمان و دانشجویان استان همدان، کتاب روش‌های علم، ص ۱۷۳، ۱۳۸۳/۴/۱۷)

ایشان حتی برطرف کردن نقاط غلط علوم غربی و اضافه کردن دانش‌های خود بر آن را از الزامات پیشرفت جامعه اسلامی می‌دانند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار استادان و دانشجویان استان کردستان، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=6917>، (۱۳۸۸/۲/۲۷)

باید توجه داشت که با پیروی از آیات ﴿لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (اسراء، آیه ۳۶)، ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (انفال، آیه ۶۰) و همچنین ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ (حج، آیه ۷۸) به دست آوردن توان علمی به نوعی جهاد در راه خداست و مصرف‌گرایی صرف علوم از دید قرآن مجاز نیست.

### ج) تحجر علمی

تحجر از ریشه حجر به معنای سنگ و صخره است (راغب اصفهانی، ۱: ۴۵۳). و در اصطلاح به معنای داشتن اندیشه، فکر و یا روحیه‌ای است که شخص نتواند مسائل و یا موضوعات فکری جدید را که ناسازگار با ذهنیت و اعتقادات قبلی اوست بپذیرد. (حسن انوری، ۱۳۸۲: ۱۶۳۰) استعمال اولیه این واژه در اندیشه اسلامی به قرآن کریم باز می‌گردد. قرآن کریم نمونه انسان‌های متحجر را به قوم یهود مثال می‌زند. ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً﴾ (بقره، آیه ۷۴). و معنای یاد شده در قرآن کریم برای مشرکان و منکران حقایق به کار رفته است که به تعبیر یکی از مفسران، قرآن کریم از دلی که حرکت نکند و اهل نظر و اندیشه الهی نباشد با تعبیر «متحجر» و «لاهی» یاد می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۷۵)

تعصب، جمود، حمیت، قساوت قلب برخی از همنشینان معنای واژه تحجرند. همان‌طور که جمودی و خمودی، ایستایی و عدم تحرک فکری در دل تحجر نهفته است، دقیقاً همین امور در تحجر علمی نیز وجود دارد که از شکفتن اندیشه دینی و برقراری تعامل نظری و عملی با جامعه پرهیز می‌کند. بنابر این آیات انسان متحجر هرگز روحیه پرنکاپو، جست‌وجوگری در حوزه‌های ناشناخته، بازاندیشی در جزئیات و نقدپذیری را ندارد و همان

داشته‌هایش را کافی می‌داند. اما این تحجر علمی در زمینه دین داران در دو بخش قابل بررسی است یک بخش آن مربوط به تفکر غلطی است که برای مصون نگه داشتن دین از امور به اصطلاح نامقدس ورود هر گونه علم از خارج از دین را نفی می‌کند و در بخش بعدی تحجری که با تعصب نسبت به علوم وارد شده از غرب مواجه می‌شود این هر دو نمونه‌هایی از تحجر است که موجب بسته شدن راه درک و فهم انسان نسبت به علوم جدید می‌شود. (حائری شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۰۲) امام خامنه‌ای تحجر را این گونه معنا می‌کنند: معنای تحجر این است که از هر آنچه که به صورت یک باور در ذهن انسان وارد شده، بدون این که پایه‌های استدلالی و استناد مستحکمی داشته باشد، بی دلیل و متعصبانه دفاع کردن. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای انجمن قلم، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۱/۱۱/۸) رهبر معظم انقلاب یکی از مصائب علوم انسانی را پذیرش بی چون و چرای نظریه‌های دانشمندان غربی دانسته و از آن به نوعی بت پرستی یاد می‌کنند و تحجر را بلایی برای محیط‌های علمی و دانشگاهی می‌دانند (امام خامنه‌ای، جلسه پرسش و پاسخ با دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۷۹/۱۲/۱۹) ایشان تولید علم را فقط انتقال علم نمی‌دانند بلکه نوآوری علمی را در درجه اول اهمیت عنوان می‌کنند و آن را نوعی شهامت علمی می‌دانند. حضرت امام خامنه‌ای نوآوری علمی را به اجتهاد تعبیر و آن را نیازمند دو اصل قدرت و جرات علمی عنوان می‌کنند. (همان) بنابراین اگر قرار باشد داعیه داران تمدن اسلامی با دنیا تعامل علمی نداشته باشند و در صورت وجود این تعامل علوم به دست آمده از آن‌ها را بدون بررسی بپذیرند دیگر بحثی از نوآوری و تولید علم مطرح نیست بلکه آنچه می‌ماند یا انفعال علمی است یا خودباختگی علمی که هر دو راه به سوی تمدن اسلامی نمی‌برد. و در یک جمله می‌توان تقلید کورکورانه، تفکر ترجمه‌ای، عدم نوآوری و خلاقیت در عرصه‌های علمی را از مصادیق تحجر دانست.

#### د) حس گرایی یا فرهنگ مادی گرایی

در قرآن کریم از بنی اسرائیل به عنوان قوم حس گرا نام می‌برد نوع معیارها و جنس

درخواست‌ها و قضاوت‌های این گروه بیان‌گر تفکر مادی‌گرایانه آنان است آنان به حضرت موسی علیه السلام می‌گفتند که ما به خدایی که او را مشاهده نکنیم ایمان نمی‌آوریم (بقره، آیه ۵۵ و نساء، آیه ۱۵۷) در آیات دیگری از قرآن مجادلات مدعیان اصالت ماده با انبیا بازگو شده است: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا﴾ (فرقان، آیه ۲۱) اکتفا به منطق حس‌گرا و کمیت‌بین، جهان هستی را تبدیل به نظام تنگ بسته‌ای می‌کند که در آن امکانی برای فراتر رفتن وجود ندارد، اما هستی‌شناسی قرآنی مبتنی بر تقسیم جهان به شهادت و غیبت است، از این منظر جهان یا آن ساحتی است که انسان آن را می‌بیند و یا ساحتی که فراتر از طبیعت و جهان مادی است: ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (جاثیه، آیه ۲۴) انسان مادی‌گرا در مرحله تولید، منفعت را در منافع مادی خلاصه می‌کند و علم و دانش را هم برای تولید آنچه که منفعت بیشتری داشته باشد می‌خواهد هرچند ممکن است این تولید مضرات غیر مادی برای جامعه داشته باشد. نمونه آن را می‌توان در تولید کالاهای مضر، قوانین بانکداری برپایه ربا، ایجاد جنگ برای کسب قدرت و ثروت، سلاحهای کشتار جمعی و.... مشاهده کرد و این علم و دانش نه تنها مشکلی از مشکلات بشر را حل نمی‌کند بلکه مسائل بسیاری را موجب می‌شود. امام خامنه‌ای نیز هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد را غلط می‌دانند (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۹/۸/۰۴) و معتقدند علمی که ما می‌خواهیم برای سعادت، رشد، شکوفایی و استقرار عدالت برای بشریت است و علم غربیان در راستای بی‌بند و باری، بی‌دینی، خودپرستی و گرایش به پول و ماده و اصیل دانستن مادیگری است (امام خامنه‌ای، دیدار با جمعی از برگزیدگان المپیادهای علمی، نرم افزار حدیث ولایت، ۱۳۸۱/۷/۳) بنابراین بی‌عدالتی، گرایش به پول و ماده، منفعت طلبی، بی‌بند و باری از اثرات حس‌گرایی و فرهنگ مادی‌گرایی در جوامع است.

## نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند، علم مورد نظر اسلام علم نافع است که مختصات این علم بر اساس آیات و روایات عبارتند از: حقیقت جویی و مطابقت با فطرت، کاربردی، همراه با ایمان و معنویت، کمک‌کننده برای عبودیت الهی و در جهت مصالح دینی و دنیایی است و از منظر امام خامنه‌ای علاوه بر این مختصات، علم تمدن ساز با جهاد و تلاش مستمر، تولید و تعلم پایان‌ناپذیر و احساس مسئولیت در کسب علم از سوی تک تک افراد جامعه همراه است. همچنین با توجه به بیانات و مکاتبات رهبر انقلاب به‌ویژه بیانیه گام دوم در زمینه علم برخی شاخص‌های تقویت و تضعیف علم نافع را می‌توان بر اساس فراوانی تکرار به‌دست آورد. بر این، ایمان و دین، معنویت و اخلاق، جهاد و تولید از عوامل تقویت و تقلید کورکورانه، تحجر علمی، مصرف‌گرایی و مادی‌گری از عوامل تضعیف علم تمدن ساز به‌دست آمد و مستندات و تطابق آن‌ها با آیات و روایات بررسی شد. لذا برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی نیازمند داشتن علم و پژوهش هستیم اما علمی که برپایه عوامل تقویت استوار و از آفتها و عوامل تضعیف دور باشد.

## فهرست منابع و مواخذ

### قرآن

۱. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*، قم: هجرت.
۲. آرام، احمد (۱۳۶۶). *علم در اسلام*. تهران: انتشارات سروش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی*، تهران: کتابچی، ششم.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، قم: دارالحدیث، دوم.
۵. اف چالمرز، آلن (۱۳۷۹)، *چیستی علم*، ترجمه سعید زیبا کلام، تهران: سمت.
۶. انوری، حسن (۱۳۸۲)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن، دوم.
۷. بابایی، رضا (۱۳۸۷)، *قرآن و معنویت*، پیام، ش ۹۰.
۸. بهمنی، محمد رضا (۱۳۹۸)، *کارنامه تمدنی*، صورت بندی مفهوم امت بر اساس المیزان، قم: پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی.
۹. بیگدلی، عطاالله (۱۳۹۴) *تمدن یا تمصر*، اندیشه تمدنی اسلام، ش ۱.
۱۰. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتب الاسلامی، دوم.
۱۱. جر، خلیل (۱۳۷۹)، *فرهنگ لاروس*، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: انتشارات امیرکبیر، دهم.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *تفسیر موضوعی مراحل اخلاق در قرآن کریم*، قم: اسراء.
۱۳. حائری شیرازی، محمد صادق (۱۳۷۳)، *تحریرگریبی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۴. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۸۵)، *دائرةالمعارف جامع اسلامی*، تهران: آرایه، اول.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۶)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، تهران: مرتضوی، دوم.
۱۶. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دار الفکر، اول.
۱۷. سعیدی، محمد مسعود (۱۳۹۹)، *نظریه معنویت در قرآن*، کتاب قیم سال دهم، ش ۲۲.
۱۸. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم.

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم: هجرت، دوم.
۲۱. قاسمی، کوثر و همکاران (۱۳۹۸)، امت، فواتر از تمدن در آینه قرآن. نقد و نظر، ش ۳.
۲۲. لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ قم، دارالحدیث، اول.
۲۳. لوکاس، هنری (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: کیهان، اول.
۲۴. مجیر شیبانی، نظام الدین (۱۳۳۷)، تاریخ تمدن از آغاز آفرینش تا تمدن مادی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چهارم.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰)، درباره پژوهش، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، دوازدهم.
۲۸. مظاهری سیف، حمید رضا (۱۳۸۴)، علم در قرآن، رواق اندیشه، ش ۵۰.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، فلسفه تاریخ، تهران: صدرا.
۳۰. نصر، سید حسین (۱۳۹۳)، علم و تمدن در اسلام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ششم.
۳۱. نورمحمدی، محمد رضا و دیگران (۱۳۹۰)، قرآن و راهکارهای معنوی جهت تأمین بهداشت روانی انسان‌ها، کتاب قیم، سال اول، ش ۲.
۳۲. ویل دورانت (۱۳۶۷)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، دوم.
۳۳. یوسفی، یوسفعلی (۱۳۹۶)، روش تحقیق، پژوهش و نویسندگی، قم: کوثر غدیر.
۳۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: khamenei.ir



## فصل دوم

---

### عقل و عقل گرایی

---

